

رویداد X هفته

جناب مهندس علی آبادی به عنوان وزیر نیرو معرفی شد
چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم!



کاری نداریم که مجلسی‌ها گفته‌اند علی آبادی جزو وزاری است که از آنها رای اعتماد نخواهد گرفت اما در همین حدی که ایشان در کابینه دهم به عنوان «وزیر نیرو» معرفی شده و به این ترتیب از حوزه صفحات رویداد روزی به رویداد اجتماعی تشریف فرما شده و قدم روی تخم چشمان ما می‌گذارد، باعث شده سیل پیام‌ها - اعم

از تیریک، آه، حسرت، ناله و نفرین که این موارد آخری احتمالاً از طرف احسان عمادی و فک و فامیلش می‌باشند! - به صفحات بنده سرازیر شود. بعضی پیام‌ها البته برای مهندس است. علی ایحال تا هفته آینده و برای رای اعتماد آوردن مهندس برای وزارت نیرو، دست به دعا بر می‌داریم و عجالتاً تعدادی از پیام‌های فوق‌الذکر را منعکس می‌کنیم:

● خداگرز حکمت ببندد دری / ز رحمت گشاید در دیگری حاجی! گفتم غصه نخور ها! ایشالا ضایعه از دست دادن علی احمدی - وزیر محبوبت - را بارای اعتماد مجلس به علی آبادی فراموش می‌کنی. علی آبادی یه چیز دیگه اس!

از طرف احسان رضایی
● ساعت / دیوار / چشمات / قلبم / آلبوم / اگر به / نامه / عاشق / آینه / گلدون / اشونه / خونه / عزیزم ... / عزیزم ...

نیمکت / گیتار / پاییز / مهتاب / می / دونم ... می / می ... می میرم من در / تو سرد / بر گرد / بر گرد / برای مهندس - از طرف الف. عمادی!

● برای عرض تبریک و یادآوری!
جناب مهندس علی آبادی! ضمن عرض تبریک به مناسبت معرفی آن جناب به عنوان وزیر «نیرو» و در راستای سخنرانی‌های احتمالی جنابعالی در خصوص تار یخچه برق، معایب و مزایا، پیشاپیش به اطلاع آن مقام محترم می‌رساند، کاشف برق، برادر ارجمندم ادیسون بوده و بنده به لحاظ بعد زمانی، تاریخی، مکانی، تخصصی و هر چیزی که فکرش را بکنی با ایشان فرق دارم!

از طرف الکساندر گراهام بل
● چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم!
فلذا شما به مسائل ریشه‌ای تر فکر کن مهندس!

م. نامجو مطلق

مشروح مصاحبه‌ی اکبر جوانفکر

غضنفر را بگیر!

خدا را صد هزار مرتبه شکر که پست‌های معاونت و مشاورت نیازی به رای اعتماد مجلس ندارد. در همین راستا محمود احمدی‌نژاد آقای علی اکبر جوانفکر را به عنوان مشاور مطبوعاتی خود ایقا کرد. جوانفکر هم بلافاصله پس از دریافت این حکم مصاحبه‌ای کرده که بخش‌هایی از آن را به همراه توضیحات و تفاسیر مقتضی، می‌خوانید:

● جوانفکر در پاسخ به این سوال که با توجه به اینکه عمر دولت نهم رو به پایان بود، آیا رئیس‌جمهور نمی‌توانست یک هفته دیگر هم بعضی وزرا را تحمل کرده و برکنار نکند، گفت: «دولت به مثابه تیم فوتبال است که همه بازکنان باید از دستورات مربی خود تبعیت کنند. اگر قرار باشد هر کسی حرف خود را بزند و هر جوری که خودش تشخیص داد عمل کند، آن تیم هیچ وقت به هدف نمی‌رسد و در آن صورت می‌گویند مارادونا را رها کن غضنفر را بگیر!»

در خصوص این بخش از اظهارات آقای جوانفکر این سوال مطرح است که از نظر ایشان، غضنفر دولت نهم چه کسی بوده است؟

- ۱- عبدالر ضامصری
- ۲- حمیدرضا بهبهانی
- ۳- مهندس علی آبادی
- ۴- هیچ کدام از اینها از سوی دکتر برکنار نشدند که بخواهند مصداق غضنفر فوق‌الاشاره باشند. فقط یک نفر در هفته پایانی عمر دولت نهم برکنار شد که عمر اگر اسمش را بیاوریم!

● جوانفکر در ادامه گفته: «بعضی نمایندگان به خاطر بر خوردار نشدن از یک امتیاز خاص، وزیران را در مجالس سوال پیچ می‌کردند... تا جایی که وزیر مربوطه برای رهایی از این فشارها با آنها سازش می‌کرد و به این ترتیب انتقاد و سوال نمایندگان، جای خود را به سکوت و بعضاً تمجید و ستایش از



عملکرد وزیر می‌داد؛ این رو به پسندیده نیست!»

۱- به قول شیر فرهاد «خو ایکه گفتی یعنی چه؟!»
۲- امتیاز خاصی که آقای جوانفکر می‌گوید نمایندگان دنبالش هستند (با بودند)، خدایی نکرده همان زیر میزی است یا خاص تر است؟ یا اصلاً چی هست؟ اصلاً هست؟

۳- مگر وزرا چگونه با نمایندگان «سازش» می‌کردند که انتقادها جای خود را به تعریف و تمجید می‌داد؟ سازش هادر حد مهرورزی بوده یا بیشتر از این حرف‌ها؟

۴- از این به بعد «سازشکار»، ناسزا محسوب می‌شود یا جزو کارهای خوبی که در ۵۰ سال اخیر سابقه نداشته؟

● وی در خصوص کابینه دولت دهم و انتقاد بعضی افراد از گسترده نبودن دایره اصولگرایی نزد آقای احمدی‌نژاد برای انتخاب همکاران خود گفت: «اصولگرایی مفهومی است که حوزه گسترده‌ای را دربر می‌گیرد. اصولگرایی اصلاً دایره نیست».

- فلذا گستره اصولگرایی چیست؟

- ۱- نیم دایره
- ۲- خط
- ۳- نیم خط
- ۴- نقطه
- ۵- چی؟

میزگردی با حضور موافقان و مخالفان وزارت کشاورزی

بادمجان بزم هم آفت پیدا کرد!

همان طور که مستحضرید متأسفانه آقای اسکندری از جمع مادر کابینه دهم و به تبع آن، صفحات «رویداد در هفته» جدا شدند و به جای ایشان آقای خلیلیان معرفی شده‌اند. آقای خلیلیان را نمی‌دانیم اما انصافاً اسکندری یک تنه، چراغ این صفحات را روشن نگه داشته بود و هر موقع احساس کمبود می‌کردیم، می‌رفتیم سراغ اخبار حوزه فعالیت ایشان.

به پاس قدر دانی از حمایت‌های بی‌شائبه وی از طنز نویسان کشور، بالاخص صفحات خودمان، میزگردی را با حضور جمعی از موافقان و مخالفان نشان ترتیب دادیم تا به نحوی از ایشان حمایت کرده باشیم.

این میزگرد با حضور بعضی حامیان ایشان از جمله آقایان برنج هندی، گلابی چینی، سیر چینی، پرتقال پاکستانی، انار افغانی و سیب زمینی ایرانی و جمعی از منتقدان ایشان از جمله آقایان برنج دم‌سوخته ایرانی (دم‌سیاه سابق)، بادمجان بزم، پرتقال شمال، پسته و گندم بر گزار شد.

رویداد: با تشکر از حضور همگی عزیزان، خواهش می‌کنم خودتان بحث نقد عملکرد آقای اسکندری و وزارت کشاورزی را پیش ببرید. اگر موافق باشید یکی از موافقان شروع کند. به هر حال این طور که پیداست غیر از جناب سیب زمینی، مابقی مدافعان، مهمان کشور مامحسوب می‌شوند!

برنج هندی: بنده با صحبت شما موافقم و خودم هم شروع می‌کنم. اول اینکه دوستان پاکستانی، تایلندی و ویتنامی بنده هم خیلی مشتاق حضور در این جلسه و دفاع از وزارت کشاورزی و ادای دین به آقای اسکندری و دولت محترم بودند ولی چون صبح تا شب ضبط تیزر تلویزیونی دارند فرصت نکردند بیایند. ثانیاً ما هندی‌ها یک ضرب‌المثل داریم که می‌گوید «وقتی فیل به مشکل بیفتد حتی قورباغه به اولگد می‌زند!» در همین راستا این سوال برای بنده پیش آمده که این گلابی‌ها این وسط چه کار می‌کنند؟

گلابی چینی: دوست عزیز! بنده به نمایندگی از طرف انبوهی از محصولات هموطنم که اگر بخوایم اسمشان را ببرم تا صبح طول می‌کشد، اینجا حضور دارم؛ برای فشردن دست دولت محترم و آقای اسکندری. اگر می‌خواستیم همه مان با هم بیایم که کل این ساختمان همشهری هم کفاف ما را نمی‌داد. چه برسد به این یک صندلی که بنده رویش نشسته‌ام!

برنج هندی: البته! منظور بنده هم اون یکی گلابی بود!

بادمجان بزم: برادر! اگر شما جای ایشان را نرفته باشید، ایشان جای شما را تنگ نکردند. جان مادر! ببین چه رویی دارند اینها! خوب است آقای راوندی اول جلسه اشاره کرد که شما اینجامهمان هستی‌ها!

مسئولیت انسان را شاد می‌کند!

تماس گیرنده اول:

خواهش می‌کنم یک گزارشی، چیزی بروید که چرا این قدر آمار تلفات جاده‌ای کشور ما رفته بالا؟ این قضیه از کجای می‌خورد؟

الور ویداد: گزارش که به صفحات مامربوط نمی‌شود اما پیشنهادش را به بچه‌های دهم، امانظر مارا اگر می‌خواهید بداند، این قضیه کاملاً بدیهی و طبیعی است. وقتی یکی از شرکت‌های خودروسازی داخلی اعلام کرد: «در سه سال گذشته دو برابر ۵۰ سال اخیر، خودرو تولید کردیم»، انتظار دارید آمار زاد و ولد برود بالا؟ خب طبیعتاً آمار مرگ و میر می‌رود بالا دیگر!

تماس گیرنده بعدی:

یک شهر وند: ببخشید! به طور کلی می‌خواستم سوال کنم چرا بعضی‌ها این قدر «خوشحال» هستند؟

الور ویداد: چون به طور کلی سوال کردید ما هم به طور کلی جواب می‌دهیم. نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد: «مسئولیت، انسان را شاد می‌کند».

تماس گیرنده بعدی:

صحت دارد که آقای رحیم مشایی به دو ماه انفسال از خدمات دولتی محکوم شده‌اند؟

الور ویداد: بله! منتها چون دیوان محاسبات کشور اعلام کرده، نمی‌خواسته این قضیه رسانه‌ای شود. ما هم در خصوص اینکه این محکومیت به دوران مسئولیت ایشان در سازمان میراث فرهنگی مربوط می‌شود، توضیحی نمی‌دهیم.





برنامه‌های تابستانی

کل کل افطاری بین المللی

● جشنواره «مضان اقوام ایرانی» از هفت شهریور در فرهنگسرای انقلاب با حضور هفت گروه موسیقی محلی از ترکمن صحرا، کردستان، خراسان، هرمزگان، بویراحمد، تربت جام و بوشهر شروع می‌شود. علاوه بر اجرای موسیقی محلی می‌توانید در این جشنواره، مراسم سحری خوانی، حرکات آیینی و سنتی اقوام و افطار در اقوام مختلف را ببینید و ندیده از دنیا روید. این مراسم از یک ساعت پیش از افطار شروع می‌شود و تا ساعت ۱۱ شب ادامه دارد. مراسم اختتامیه هم ۱۴ شهریور ماه در فرهنگسرای انقلاب برگزار می‌شود.

اگر پایه این برنامه شده‌اید، می‌توانید به نشانی بزرگراه نواب صفوی، تقاطع خیابان کمیل شرقی بروید. برای اطلاعات بیشتر هم با شماره ۵۷-۵۵۴۱۹۰ تماس بگیرید.

● سومین جشنواره بین المللی رحمة للعالمین هم در فرهنگسرای ملل برگزار می‌شود. این جشنواره با حضور کشورهای پاکستان، عراق، ترکیه، سوریه و افغانستان به مدت ده شب از ده تا ۱۴ شهریور ماه در فرهنگسرای ارسباران، اشراق، بهمن، این سینا و ملل برگزار می‌شود.

در این جشنواره، این کشورها کتب، البسه، صنایع دستی و غذاهای ویژه افطار و سحری شان را آورده‌اند تا روی ما را کم کنند، ولی زهی خیال باطل! افتتاحیه این مراسم قرار است در برج میلاد برگزار شود.

اگر پایه این جشنواره هم شده‌اید، به نشانی بزرگراه آیت الله صدر، میدان پیروز، بوستان قیصریه بروید. شماره تلفن ۴۴۵۳۰۴۴۵۳-۲۲۲۰۲۲۲۱۲۳۹۲ هم منتظر شماست برای دادن اطلاعات بیشتر.

● در نگارخانه عکسخانه شهر هم نمایشگاه عکس رجال قاجار «آرشیو موزه» تا ۱۳ شهریور و عکس دفاع مقدس «آرشیو موزه» از ۱۵ شهریور تا سه مهر برگزار است.

برای دیدن این آثار می‌توانید از ساعت ده تا ۱۹ به نشانی میدان هفت تیر، خیابان بهار شیراز، بوستان بهار شیراز سر بزیند. شماره عکسخانه شهر هم از این قرار است: ۸۸۸۴۸۹۹۳.

برنامه‌های تابستانی

سرکاریم

یک شهروند بیکار: خواب دیدم عده‌ای جمع شده‌اند یک جا که در باره مشکل بیکاری و اشتغال حرف بزنند و بر نامه‌ریزی و خلاصه کار کنند اما بعد از مدتی دیدم که خودشان هم بیکارند و دیگر جلسات تشکیل نمی‌شود. به نظر شما تعبیر خواب من با کدام یک از موارد زیر ارتباط دارد؟

۱- علت بیکاری شورای مذکور این است که ملت همه‌شان سر کارند. ۲- علت بیکاری شورای مذکور عدم تشکیل جلساتشان این است که خودشان رفته‌اند سر کار. ۳- یا چی؟

تعبیر خواب: آن عده‌ای که شما در خوابتان دیده‌اید، اعضای «شورای عالی اشتغال» هستند. آن طور که ما هم مطلعیم اعضای این شورا خودشان هم شش ماه است که بیکارند! البته بیکار به این معنا که در راستای مبارزه با بیکاری کار خاصی نمی‌کنند و جلساتشان تعطیل شده. حالا اینکه علتش سر کار بودن ملت است یا خودشان اطلاعی نداریم!



تعبیر خواب

استفاده نکن. اونی که شما گفتی صحیحش «نه سیخ بسوز دونه کباب» است. همین را کم داشتیم که انار افغانی هم برای ما عرض اندام کند!

برنج هندی: انار جان افغانی! صحبت‌های این بنده خدارا به دل نگیر. من می‌دانم این کجایش سوخته! فقط بحث دم‌ش نیست! دم سوخته را عرض می‌کنم...

رویداد: آقایان! خواهش می‌کنم، از میان حامیان، جناب سیب‌ز مینی ایرانی و از میان منتقدان جناب پسته حرفی نزدند. جناب پسته! شمارا خندان می‌دیدم همیشه. امروز سر حال نیستید!

برنج دم سوخته ایرانی: آقا! از وقتی در راستای کوچک‌سازی دولت، عدل آمدند دفتر امور پسته‌زار تخانه را منحل کردند، چاک دهان این بنده خدا بسته بماند بهتر است. باز نش نکنید لطفا!

رویداد: جناب سیر چینی! شما حرفی ندارید؟

سیر چینی: اصل حرف را خود آقای اسکندری قبلا فرمودند: «کسانی که سواد کشاورزی ندارند به این بخش وارد نشوند». ممنون می‌شویم!

بادمجان هم: باشد عزیزم! بی زحمت شما حرف نزن. بویتنان مجلس را برداشت!

رویداد: بوی سیر است دیگر! دست خودش که نیست. نتیجه‌گیری بفرمایید حالا.

برنج دم سوخته ایرانی: نتیجه‌گیری بماند برای بعد.

برنج هندی: بله، چون بنده هم برنامه تیزر تلویزیونی دارم و باید برسم به پخش...

سوژه‌های هفته:

هماهنگی کامل!

● **«البته نظر ما کاملاً متفاوت می‌باشد!» هفته:**

ایستنا/ کلهر، مشاور احمدی نژاد با اشاره به اهمیت تعامل وزیر ارشاد آتی با اهالی رسانه گفت: «من یک بار در تلویزیون هم گفتم کسانی که سانسور ایجاد می‌کنند انسان‌های احمق هستند و اکنون هم این اعتقاد را دارم.»

● **«سنجش نسبت افراد منتفی شد» هفته:**

جانشین فرمانده ناجا: پلیس هیچ ماموریتی در رابطه با سنجش نسبت افراد داخل خودروها ندارد.

● **«شایستگی بهتر است یا هماهنگی؟!» هفته:**

یک نماینده مجلس: هماهنگی کامل وزرا با رئیس جمهور از ویژگی‌های برجسته کابینه پیشنهادی است.

● **«نگرانی» هفته:**

رئیس کمیسیون انرژی مجلس با ابراز نگرانی از انتخاب مسعود میر کاظمی به عنوان وزیر نفت گفت: «نگرانی ما یکی از برای وزارتخانه نفت است و دیگری برای شخصیت کاظمی!»

● **«سیلی از کدام لحاظ؟!» هفته:**

یک هفته نامه حامی دولت با اشاره به سخنان احمدی نژاد مبنی بر اینکه «انگلیس از دخالت در امور ایران دست بردارد و الا سیلی خواهد خورد»، نوشت: «البته خدا نیاورد که سیلی به صورت انگلستان از جنس سیلی به صورت نظامیان متجاوز [ملوانان] انگلیسی باشد!»



این هلو و این گلو!

رئیس جمهور در برنامه زنده تلویزیونی گفت: «آقای باقری لنکرانی - وزیر بهداشت - مثل هلو می‌مونه، آدم می‌خواد بخوره این جوون رو!»

با توجه به اینکه سخنان رئیس جمهور را باید در چهار چوب ادبیات سیاسی و دیپلماتیک ارزیابی کرد، پاسخ به سوالات زیر از سوی مسؤولان امر، مزید امتنان خواهد بود:

۱- اصولاً هلو به چه معناست؟

۲- به طور کلی، کابینه جای آدم‌های هلوست یا شایسته و اینکه اصولاً هلو بودن، جزو شایستگی‌های افراد محسوب می‌شود یا برعکس؟

۳- هلو را باید خورد یا بر کنار کرد یا ایلقا؟

۴- آیا بار هلو، محموله سیاسی محسوب می‌شود یا خیر؟

۵- بار شفتالو چطور؟

۶- آیا گران‌فروشی در معامله هلو در مبادین میوه و تره بار، «جنایت جنگی» است یا «جنایت علیه صلح» یا «تقص قوانین حقوق بشر» یا چی؟

۷- در معاهدات بین المللی و دیپلماتیک، عبارت «این هلو و این گلو» به چه معناست و نسبت آن با سیاست چماق و هویج و کنوانسیون آزادی‌های اساسی چیست؟ ■

انار افغانی: البته بستگی دار دشمنان یفغان از مهمان چه باشد؟! بعد هم اینکه گویا شما ایرانی‌هایک ضرب المثل دارید که می‌گوید «بادمجان هم آفت ندارد»! منظور اینکه فکر نمی‌کردم شما هم در این جلسه حضور پیدا کنید جناب بادمجان!

بادمجان هم: این ضرب المثلی که شما می‌فرمایید برای قبل از آغاز به کار آقای اسکندری و دولت محترم نهم بود. بحمدلله با حضور ایشان ما هم الان آفت پیدا کرده‌ایم!

پرتقال شمال: خالی نیندازیم آفت پیدا کردی؟

بادمجان هم: بله، آفت ما بادمجان فرانسوی است که از سال پیش وارد کشور شده!

گندم: آقایان! لطفاً جلسه را به جدال‌های لفظی نکنید. اگر اجازه دهید وارد مسائل ریشه‌ای شویم بنده می‌خواهم در خصوص عملکرد وزارت کشاورزی در حوزه خود کفایتی خودم صحبت کنم.

برنج دم سوخته ایرانی: بنده موافق نیستم. برادر من! اما که جمع نشدید! اینجا لطیفه تعریف کنیم!

گندم: البته موضع بنده هم در نهایت بی‌شبهات به موضع جنابعالی نیست. می‌خواستم عرض کنم ظرف دو ماهه اول امسال، میزان واردات گندم نسبت به سال پیش صدر صدافزایش پیدا کرده....

برنج هندی، سیر و گلابی چینی و سیب‌زمینی ایرانی: احسنت! احسنت! ما گندم چی چپوا احسنت؟! عرض بنده این است که ما اینجا چوب شوریم مگر؟

انار افغانی: اتفاقاً بدفکری نیست. چون روزنامه‌ها قول دبیر انجمن صنایع چوب کشورتان نوشته بودند: «کشور با کمبود چوب مواجه است». حالا که خود کفایتی شما (گندم) مالیده و وارداتتان هم افزایش صدرصدی داشته، شما بیانش همان چوب را که گفتی بازی کن! این طور هم سیخ می‌سوزد و هم کباب!

برنج دم سوخته ایرانی: شما که ضرب المثل ایرانی را بلد نیستی

■ موسی حسینی راوندی